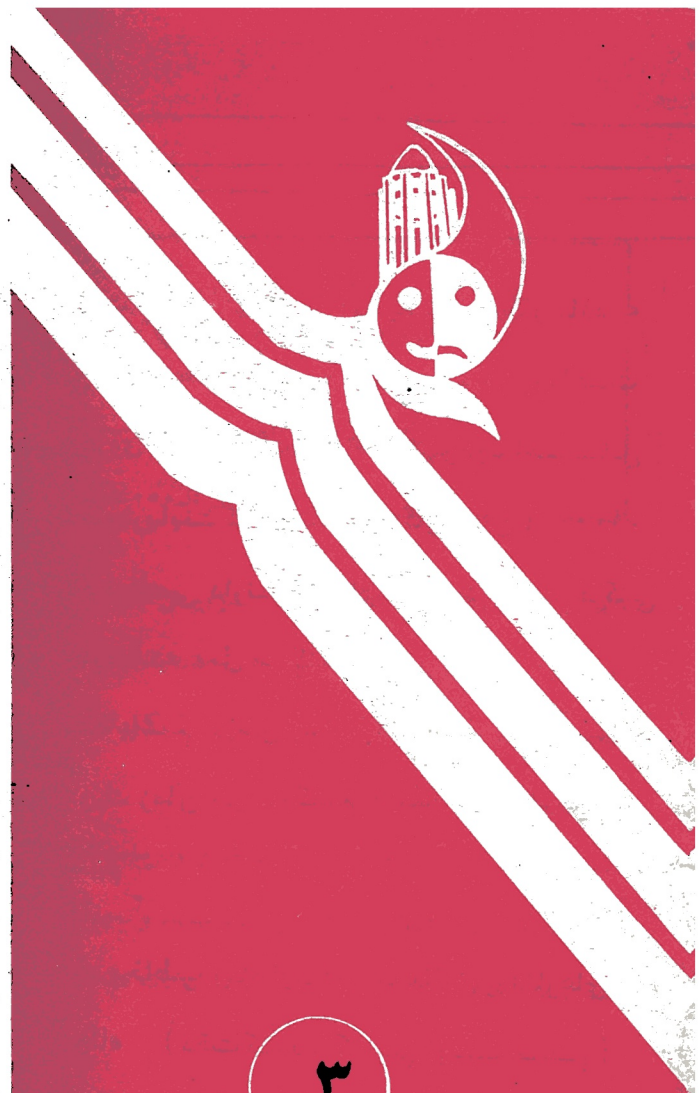




ساده باشیم

برخلاف نظریکی از دوستان هنرمند دست اندرکار
 تئاتر این دیار ، که عقیده دارد " جشنواره محل
 کسب تجربه نیست و فلان استان و بهمان شهرستان
 باید با پشتوانه ای محکم ، پادرگود جشنواره
 گذارد " تا شاهد اجرای نمایش های ضعیف
 در حد دبستانی و دبیرستانی نباشیم " حقیر عقیده
 دارم جشنواره چه در سطح منطقه ای ، کشوری ، ...
 جهانی، محلی برای دریافت ها و پرداختها است
 مکانی برای آموختن و آموزش و محلی برای شناخت
 تفکرها و تحول ها . مطالب بالا گریزی بود تا بتوانم
 مقوله جشنواره کودکان و نوجوانان را به مبحثی
 که برگزیده ام پیوندزنم . مقاله ای که مبحث
 بخصوصی نیست جهت خاصی را دنبال نمی کند ، حرف
 نانوخته و حدیث فراموش شده است ، که کتاب و منبع
 تحقیقی خاصی ندارد و بستگی و وابستگی شدیدی به
 ما و طرز تفکر ما دارد ، " مائی که در مقام نویسنده
 نمایشی ، کارگردان و ... عوامل دیگر ، با چراغ
 بی چراغ ، رسالتی سنگین ، مهم و فوق العاده خاص
 را پیش رو داریم . تئاتر کودک و نوجوان ، راهی مشکل
 و دشوار که همتی بلند می طلبد و هر وی عاشق
 و صادق ، محقق آگاه و سردوگرم چشیده .

ژانری که سینما با همه ه هارت و پورت و زرق و برق
 " به استثنای انگشت شمار فیلمسازی که هنوز



۳
 نشریه روزانه
 تئاتر و نوجوان

نخستین جشنواره سراسری تئاتر کودک و نوجوان

« امید »
 همدان

۲۹ شهریور - ۴ مهر ۱۳۷۰

۱۳۷۰

اداره نشر و تبلیغات تئاتر همدان



تمثیل و اشارات کنائی نیست . دریچه های زیبا و ساده ، ورود به متن را از نخستین ایده مناسبی که در پرداخت آن هستید به روی آنان بگشائید تا در شهر خود احساس غربت نکنند و دریابند که نویسنده ، کارگردان و دوست داران مخلصی دارند که برای آنان و در جهت حرکتی درست و حساب شده عمل می کنند .

آری ساده باشیم ، سن و سال را کنار بگذاریم با آنان در یکسال و یک زمان حرکت کنیم . بله ساده باشیم و ساده بنویسیم .

مخاطب ما ، مخاطب ویژه ایست ، با علایق و رفتارهای بهنجار و گاه (دقت کنید ، گاه می گوئیم) نا بهنجار خود ، تماشاگر خاصی نیست که قصد تحمیل نظر خود را بر ما داشته باشد ، به یک نکته اشاره می کنم و این عرصه را به شما که در دنیا قبول آن — مختار بوده یاهستید ، وامی گذارم ، اگر نمایش شما برای دوستان کوچکمان گیج کننده و غیر قابل فهم باشد به این معنی است که در واقع تئاتر را نفهمیده اند و عدم درک این مسئله ضربه ای است ناخواستگی که در آغاز بنیان گذار حرکتی از طرف شما بر ریشه های تعلق و عشق و آموزش و پرورش تئاتر کودک و نوجوان فرودمی آید .

➤ اسماعیل انصاری

زیر نویس

۱- سادگی ، نه به مفهوم ، به زبان عوام ساده بودن است بلکه ، بسادگی اندیشه ای را القاء کردن در زمینه مقاله مدنظر است .

با همت بلند در این راه گام برمی دارند و گیشه جیب کوچک کودکان را پیشه خویش نکرده اند " به شهادت فیلم هائی که بر پرده سینما می بینم ، خواسته یا به مرحله ابتدال رسیده و " ماهی " فلان فیلم ساز " گلنار " می شود و با سرانجامی تلخ در قالب گربه آوازه خوان ظاهر می گردد . که آشکارا این آواز " لمپنیسم " و چاقوکشهای معروف فیلمهای آنچنانی فیلم فارسی سازان دهه ای خاص را در برابر چشم ما بزرگترها و نگاه پاک کوچکترها قرار می دهد .

مبحث مورد نظر حقیر این نیست : که اولاً : موضوع تئاتر است و نه سینما ، " اگر چه ارتباط این دو مقوله به قوت خود باقیست . " ثانیاً : اصولاً " به ما چه ارتباطی دارد که عده ای گیشه را از اندیشه دوست تر میدارند و برای جیب کودکان کیسه ها دوخته اند و رسالت فرهنگی ، هنری و تربیتی را از این طریق بهتر و دقیق تر انجام میدهند ، نمونه بسیار است و بما هم ربطی ندارد و اما آن مبحث نانوشته که به اینجا کشید " سادگی است ساده بودن ، ساده و راحت ارتباط برقرار کردن ، ساده نوشتن ، ساده برخورد کردن ، ساده کارگردانی کردن ، و لقمه را از پشت سردر گلو ننهادن ، راحت و بی غل و غش بگویم ، اگر رهرو صادق و همیشگی این وادی هستید .

نخست مخاطب خود را در نظر داشته باشید سپس قلم رسالت خود را بر کاغذ سفید حرکت دهید ، کودکان و نوجوانان بی پیرایه و کنایه سخن گفتن را می پذیرند . تجربه کنید ، حتماً " نتیجه می گیرید . این حیطة بعقیده ، حقیر محل استفاده آنچنانی از استعارات ،



بهره بردار آموزش تئاتر کودک و نوجوان (۳)

نصرا... عبادی

اگر هدف از تئاتر " کودک " پرورش کلیه استعداد های کودک باشد آنچه گفته شد با آنکه لازم است کافی نیست این است که پای همکاری " کودک " نیز میان می آید .

بدو صورت ۱- " هنرمند " با طرح و برنامه قبلی از او درخواست همکاری و همیاری مینماید و آنچه که مورد نظر است ، با تمرین و تکرار از کودک میخواهد میسازد .

۲- " کودک " خود برنامه ای را مدون نموده است و جهت به اجرا کشیدن آن نیاز به همکاری دارد . قسمت اول نیاز به بحث ندارد ، زیرا شکل تنظیم شده - ایست باهدفی معین و مشخص ، خط مشی و نموداری ترسیم شده از لحاظ تربیتی .

اینجاست که " هنرمند " برای بهره برداری آموزشی باید - موضوعات و عناوین بشکلی تعیین و تبیین شوند که قومیت ، ملیت ، اصول اجتماعی ، مدنی را در کودک ثابت و پایدار نمایند - بعضی از آنان بطور نمونه ذکر میشود .

- ۱- سازگاری و هماهنگی با دیگران . ۲- خود و دیگران را شناختن . ۳- دوست یابی و نگاهداری دوستان
- ۴- مراعات قوانین و مقررات . ۵- پرهیز از غیبت و وناسزا . ۶- خوشرو و صبور و مهربان بودن . ۷- صادق بودن . ۸- مودب بودن ، از آزار مردم دوری جستن . ۹- از مکافات اعمال خود غافل

نباشد . ۱۰- در آنچه میگوید دقیق باشد و بسیاری موضوعات دیگر .

در قسمت دوم که " کودک " طلب همکاری می کند لازم است که هنرمند با ظرایف و دقایق و رموز هنری که بر آن وقوف دارد ضمن همکاری آنچنان همدلی و همفکری نماید که کودک را همراه آورده و به مسیری هدایت نماید که از بدآموزیها بدور ماند ، بعضی از رموز را که ذهنیت قبلی او را تشکیل می دادند بگیرد .

در نماد رابطه محسوس وجود ندارد و نیز هیچ نوع قرارداد اجتماعی برقرار نمیباشد . مثلا " زمانی که " کودک " از قطعه ای چوب بعنوان اسب استفاده میکند و بر آن سوار می شود ، قطعه چوب در نظر او سمبلی از اسب است و بین چوب و اسب هیچگونه قرار داد اجتماعی موجود نیست که دیگران را نیز خود بخود بهمان مفهوم دلالت کند ، ولی کودکان از چنین نقشهائی در ذهن خود استفاده می کنند .

تنها ظهور و بروز حرکات جنبشی موزون است که دیگر بینندگان و حتی بزرگسالان را به تعبیر اسب سواری وامی دارد .

حال که کودک خود درخواست کمک و همکاری نموده لازم است که " هنرمند " نکات ظریف چندی را کاملا مدنظر داشته باشد تا بتواند بکمک آن خواسته های خویش را که همانا بهره وری آموزشی از تئاتر " کودک " است بانجام رساند .

- ۱- یکی ایجاد شرایط مساوی است جهت آموزش که لازم است در این موقع از دیگر کودکان هم سن و سال برای همکاری دعوت نمود . چه کودک در میان همسالان خود احساس امنیت خاطر می نماید ، در صورت بروز اشتباه یا خطائی شرمگین نخواهد شد ، براحتی اشتباه خود را میپذیرد ، به اشتباه دیگر همسالان خود



بنظر تحقیر و توهین نخواهد داشت • بنابراین —
گذشت از خطایای خود و دیگران برایش کاملاً " عادی
و طبیعی است • اما وجود فرد یا افرادی بدور از سنین
او هر قدر هم ماء، نوس و ماء، لوف کودک باشد باز با
کودک هم خوانی نداشته و در موارد یادشده
نوق که سهویاً اشتباهی رخ دهد خجلت زده و شرمسار
بگوشه ای خواهد نشست • این کناره گیری
کم کم ایجاد دل زدگی مینماید و کودک رابه مسیری دیگر
که بدور از این جریانات باشد هدایت خواهد نمود
احتمالاً " گردن کشی - نمود - نافرمانی •

۱- انزواطلبی

۲- جلب علاقه و نگهداری آن

حال که کودک خود رغبت و علاقه به موضوع نشان داده است
بر " هنرمند " است که " کودک " را از مقصود
و منظور آگاه سازد • بعبارت دیگر باید نوع کساره،
طرز شروع و اجراء آنرا بدو به " کودک " بیاموزد •
از قسمتهای مهم و اصل کار آگاهی سازد ، سپس
در آن تمرین کند •

بر اثر تمرین و تکرار ، حرکات اضافه و بیمورد از بین
میروند ، و فقط حرکات و اعمال صحیح و گفتار و کلام
مناسب باقی مینماند • مثلاً شخصی که برای اولین بار
دوچرخه سواری می کند هنگام پازدن دوچرخه
سر ، و گردن ، و بدن خود را هم حرکت میدهد
ولی همینکه ماهر و ورزیده شود این حرکات
از بین میروند و فقط پا میزند •

(در این موقع است که : انفعالات نیز تغییر یافته
ورفته رفته ضعیف تر میگردد • چون انسان از پرداختن
با عملی که طرز انجام آنها را میداند ندراضی میشود ،
و از دست زدن با عملیکه راه انجام آنها را میدانند گریزان

و نراضی میباشد) •

۳- بر اثر تمرین و تکرار اعتماد بنفس بدست میآید
عامل عمده یا جوهر ترقی انسانی همانا اعتماد بنفس است
که بر " هنرمند " است به انواع طرق ممکن در کودک
ایجاد اعتماد مینماید و باید ترتیبی اتخاذ نماید
که ، کودک در کار خود موفق و بخصوص در یک یا چند
عمل مفید کاملاً ماهر شود •

بطور کلی • بر اثر تکرار و تمرین ، کثرت عمل به
وحدت ، خشونت ، بنرمی مبدل میشود ، و برای اعمال
سازمانی مرتب و موزون و هم آهنگ بوجود می آید • سرعت
و صحت اعمال افزوده می شود و یا پیداشدن مهارت
خستگی نیز بتدریج روبه نقصان میرود • در نتیجه
سر خوردگی جای خویش را به پیروزی و موفقیت می سپارد ،
که عامل برانگیزاننده است •

۴- برانگیختن انگیزه " هنرمند " با توجه به اینکه
اعمال انسانی بر اثر محرکها بوجود میآید ، و بهترین
و موثر ترین محرک ها آنهایی است که خود کساره از
نظر " کودک " با ارزش و مهم تلقی شود ، تا برای
انجام آن در خود احتیاجی احساس کند و شروع به فعالیت
کند • پس محرک اصلی در ابتداء باعث شروع میشود
و در ضمن انجام عمل محرکهای عالیتر و بهتر بوجود
میآید و همواره " کودک " را با کار بیشتر و بهتر
و امیدارد • مثلاً " محرک کودک هنگام شروع تجسم
یک مرد ، یا یک کودک ، یا یک دوست و یا
می باشد اما در مراحل بعدی میکوشد حالات مختلف
را در او نمایان سازد ، و بالاخره از تصویر چنین آدمی
نتایج دیگر و عالی تر بخواهد •

(قصد تمرین ارگانیزمی است)

۵- تمرین - باید تمرین بقصد بهبود و عاری نمودن
از بدیهها باشد و ناموزونیهها دم خور و هم سو ،

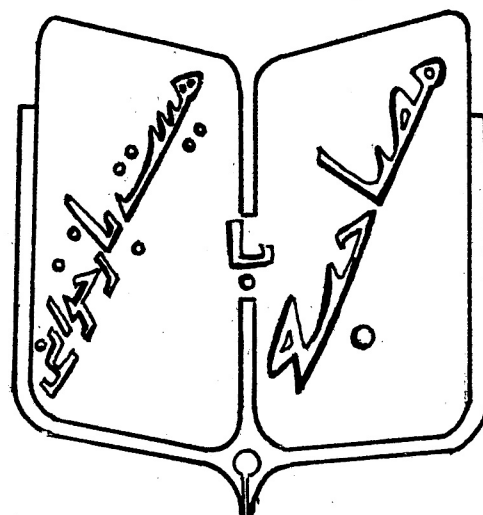


صورت گیرد . باین معنی که اگر صحت کار مهمتر از سرعت آنست در تمرینها صحت مورد تاء کیست قرار گیرد ، و برعکس اگر سرعت مهمتر از صحت عمل است باید با سرعت تمرین شود .

◀ ادامه دارد ▶

باخواست " كودك " که بخواهدرفته رفته مهارت بیشتر کسب کند . تشویق کودکان بکوشش و فعالیت بسیار مفید میباشد ، ولی وا داشتن آنها بکارهاییکه درخور فهم و استعدادشان نیست بداست و موجب اضطراب و نگرانی خاطر آنها میشود .
مهارت و دارا شدن سرعت و صحت باید با توجه به نوع عمل

که جنبه های فانتری و قصص فراوانی در آن یافت میشود ، یکی از راههایی که هنرمندان و نویسندگان ، پیش روی دارند ، قصه ها ، تمثیل ها و افسانه هائی است که در ادبیات ماموجود است و این بنظر من عیبی ندارد .
ولی فقط باین روش نباید اکتفاء کرد . دستیابی به راههای متنوع نوشتن متن ، تولید متن بوسیله اجراهای زنده یا فی البداهه با توجه به نوپا بودن تئاتر کودک و نوجوان ، روشهایی است که باید در مسیر طولی زمان تحقق یابد . باید توجه داشت که زیباترین دوره ، زندگی آدمها دوره ، کودکی است . هنرمندانی که در این رشته کار میکنند طبیعتاً " هنرمندانی میتوانند باشند که روح و نگاه ظریف دارند و به نوعی این کار سهل ، ممتنع است .
برگزاری این نوع جشنواره ها که حوزه و طیف وسیع تری را در برمی گیرد این امکان را فراهم میکند که نویسندگان ، علاقه مندان و نیروهای جوان این وادی از بسترهای غنی فرهنگی اقلیم خودشان کسب فیض کرده و آنها را به آثار زیبایی برای کودک و نوجوان تبدیل کنند . بطور کلی این جشنواره ها در مسیر طولی زمانه بآن نکته ای که در سوال شما نهفته است ، یعنی : تنوع در اجراهای کودکان و نوجوانان که یکی از امیدهای من است خواهد رسید .



س : جناب آقای خلیج ، همانطوریکه بیان فرمودید کار شما برگرفته از کلیله و دمنه است .
با توجه باینکه روال بیشتر قصه ها و نمایشنامه هائی که برای کودکان و نوجوانان نوشته و به اجرا درمی آید برگرفته شده از متونی مثل کلیله و دمنه میباشد و در این نوشته ها بطور فانتری قهرمانان حیوانات و وحوش هستند ، آیا در این اقتباس و تنظیم واقعا " وارد هستید و باید همین راه دنبال شود و از یک منبع تغذیه شویم و یا راهها و منابع دیگری برای تغذیه نویسندگان ما وجود دارد ؟

ج : تئاتر کودک در کشور ما نوپا است و هنوز به درستی بستر مناسب خود را نیافته است . اما با توجه باینکه در سرزمینی هستیم با آثار ارزشمند ادبی



س : جناب آقای قاسمی ، در اغلب برنامه هائی که برای کودکان به اجرا درمی آیند ، الگوهای رفتاری یا حرکتی اکثرا " تقلیدی و یک نواخت است بخصوص که بیشتر اقتباسی است از برنامه های تلویزیون و در این مورد واقعا " یک نابسامانی خاصی وجود دارد . لطفا " بفرمائید آیا این تقلید بجا است و تاکی باید ادامه یابد و از طرف دیگر کنار گذاشتن این موضوع مثلا " اینکه حیوانی را بشکل دیگری بخواهند نشان بدهند کاری است پسندیده یا خیر ؟

ج : قبل از پاسخ باین سؤال ، در مورد سؤال قبلی که دوست عزیز جناب آقای خلج پاسخ دادند ، عرض میکنم که دنیای تئاتر کودک بسیار وسیع میباشد به ویژه تئاتر کودک جهان به مراحل بسیار زیبایی رسیده است ، به مرحله ای که کودک بعضی از شیوه های نمایشی را پیشنهاد میکند و خودش را در نمایش سهیم میداند . حال با توجه به سؤال شما باید گفت ، پرداختن به ادبیات گذشته بسیار زیبا است اما نوع پرداخت و نگرش باین مسائل مهم میباشد . متاء سفانه افراد ناآگاه متون بسیار غنی و پربار رانه تنهـا زبانشان نمیدهند بلکه ارزش آنها را هم از بین میبرند باین دلیل که اولاً " به ادبیات آگاهی ندارند و ثانیاً " با تئاتر کودک و ارتباط آن با کودک آشنائی ندارند و به صرف پوشانیدن چند لباس حیوان و ادا و اطوارهای بخصوص و خندانیدن بچه ها ، این کار را موفقیت آمیز میدانند و تاء تیرات بعدی را در بچه ها پیش بینـی نمیکند .

هنرمند واقعی میتواند تاء تیرات زیبایی بوجود آورده و به نتایج خوبی دست یابد و هنرمند ناآگاه سعی میکند برای خندانیدن و یا تحت تاء تیر قرار دادن

بچه ها به طرفندهائی روی آورد که تاء تیر خوبی در بچه ها ندارد . باید توجه داشت ، با تکرار یا غلو در یک موضوع بچه ها شدیداً " تحت تاء تیر قرار میگیرند و لازم است در این زمینه تعمق بیشتری بعمل آید . متاء سفانه بایک سری الگوهای نه چندان صحیح ، به ویژه در تلویزیون ، حرکات و رفتارهای عجیبی در بچه ها مشاهده میشود ، این الگوها که کلیشه ای و زننده است تاء تیرات تربیتی و اخلاقی دارد .

کسی که در زمینه تئاتر کودک کار میکند لازم است که در امور کودکان متخصص باشد . هر کسی نمی تواند اذهان بچه ها را با ادا و اطوارها و حرکات صرفاً " خنده آور مغشوش نماید . ما باید بدانیم که خندانیدن یا گریانیدن بچه ها بدون هدف خیانت به جامعه فردا است .

س : منظور شما این است که اگر احتمالاً " برنامه های تفریحی را تواءم با این جریان کنیم ، لاجرم به کودک بدآموزی کرده ایم ؟

ج : خیر ، مسلماً " یکی از مسائل مهم تئاتر کودک ، تفریح است ولی برای این مسئله نباید از الگوهای نادرست استفاده کنیم . اگر بخواهیم با ادبـازی به بچه ها نصایح اخلاقی بدهیم صحیح نیست ادامه دارد

روح انگیز موه منی

نتایج رسم شخو ز صحنه های نمایش
از لحاظ است ، هنرمندان ما باید از این بافتنغ
عظیم فخر و ابرام کنیم . شهید



انگیزه من بیشتر بیان دومسئله تربیتی بصورت غیر مستقیم و داستانی به کودکان می باشد و باتوجه به تاءثیر پذیری کودکان در اجرای نمایش فکرمی کنم که تا حدود زیادی به هدفم رسیده ام .

۳- گروه از چه زمانی شروع به کار کرده است و از چه امکانات و آموزش هایی در پیشبرد کارتان بهره گرفته اید

زمان کارگروه از فروردین ماه بوده ولی بدلیل برخورد به امتحانات و شرکت در اردوهای مختلف فرصت تمرین کم بوده است .



امکانات ما از طریق امور تربیتی تاءمین شده است و در حد امکاناتی است که در یک شهرستان کوچک مثل زنجان می توان یافت ، و در رابطه بامسائل فنی نیز بدلیل نبود افراد وارد و متخصص اینجانب ناچار بودم که اکثر کارهای نمایش را علیرغم بضاعت کم ، از قبیل طراحی صحنه ، آهنگسازی و غیره را شخصا انجام دهم

۴- چه مسائل و مشکلاتی را در رابطه با شرکت در جشنواره و اجرای نمایش تان در پیش رو داشته اید ؟

مسائل و مشکلات که زیاد بوده ولی عمده آنها عبارتند از نبود سالن ، مشکل درسی بچه ها ، کمبود بودجه ،

مصاحبه با کارگردان نمایش خانه فرگوش رضانظری

۱- لطفاً خودتان را معرفی کرده و بیوگرافی کوتاهی از سوابق کارتان در زمینه تئاتر کودک و نوجوان بدهید .

اینجانب رضا نظری متولد تهران هستم و فعالیت تئاتری خویش را از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز کردم و بعد از انقلاب فعالیتم را در آموزش و پرورش (امور تربیتی) متمرکز نمودم فارغ التحصیل کارشناسی الهیات و معارف اسلامی میباشم و ضمن کار تئاتر کودکان نوجوانان در زمینه امور تربیتی و پرورشی هم فعالیت دارم .

۲- خلاصه ای از نمایش شیوه و کار خویش را بازگو کرده و بگوئید انگیزه شما از انتخاب سوژه نمایش چه بوده و آیا به هدفی که در نمایشنامه خود داشته اید با اجرای آن رسیده اید .

ظاهر نمایش حاوی دو پیام عمده برای کودکان می باشد؛
۱- اعتماد بنفس داشتن و روی پای خود ایستادن .
۲- شناخت دوست و دشمن و یاری گرفتن از دوست .
شیوه نمایش با محور قرار دادن قصه گوتا حدودی روایی می باشد و در نحوه اجرا نیز با موزیکال کردن کار و استفاده از رنگهای شاد و زنده در طراحی صحنه و نیز از نظر شیوه و گویش قصه گو و ایجاد ارتباط نزدیکی با تماشاچی سعی شده تا در حد امکان نمایش هر چه بیشتر به مخاطبان اصلی خود یعنی کودکان نزدیک شود



می توانند علاوه بر یادگیری در جریان پیشرفت ها و روند تحولات تئاتر سایر نقاط کشور قرار گیرند و علاوه بر اینها با الگوهای تئاتر کودک آشنا شوند.

۶- برای بارو شدن جشنواره در سالهای آتی چه پیشنهاداتی دارید .

چون امسال برای اولین بار است که در این جشنواره شرکت می کنم و هنوز در جریان نحوه برگزاری قرار نگرفته ام ولی چه به مرحله نهایی برسم و در جشنواره حضور داشته باشم و چه نرسم بهر حال بدلیل تاء ثیرات مثبت فراوان این نوع جشنواره ها آرزوی موفقیت را برای برگزار کنندگان آن می نمایم .

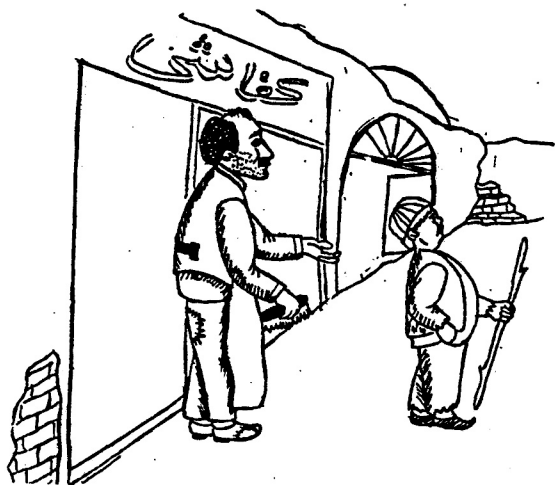
➤ بهروزپور - روغنی ➤

ضعف و کمبود اکسسوار ، نبودن افراد متخصص در رشته های مختلف ، ولی بحمدال . . . چیزی که امیدوارکننده تر و بیشتر و بیشتر از همه کمبودها وجود دارد ، ذوق و شوق و اشتیاق بچه ها و از همه مهمتر عشق به تئاتر است .

۷- بطور کلی جشنواره سراسری تئاتر کودک و نوجوان را چگونه می بینید و فکری کنید برگزاری چنین جشنواره های تاجه میزان می تواند راهگشای فرهنگ و هنر انقلاب و رشد و پویایی کودکان و نوجوانان در زمینه تعلیم و تربیت باشد .

مسئله " بطور کلی صد در صد مفید " و واجب و لازم است . بخصوص اینکه هنرمندان شهرستانی که نوعا " فاقد امکانات آموزش و از این قبیل هستند در اینطور جشنواره ها





این ده ویه مدرسه
نقی جونم درس رومیخواه
من نمی خوام توی کوچه ها
حرفهای بیجا ، بزنه
بگه که همش بازی می خوام
اون نمیخواه بازی کنه
تازه ، نقی از کلاس بیاد
هرکی بفکر درشسه
گلپسرم ، عصرمی آد
بیخودی هی ، برووبیا
حرف به بزرگا ، بزنه
الاغ نازنازی می خوام
بازی سربازی کنه
دوست های خوبش رومیخواه

سلام آقا نجاره سلام
محلہ خلوته ، چرا؟
محلہ ، یه جوروری شده
سلام سلام ممدلی خان
لپ گل گلی غنچه دهان
راستی ، باهات حرفی دارم
مردم ده ، میان ومییرن
همه میگن این ممدلی
معلم کلاستون
حیفه پسر به این گلی
تقی کجاس ، تقی رومی خوام
تقی کجارفته ، کجا؟
یه جور ناجوری شده
تنبل ، اما خوش زبان
خوب وقشنگو مهربان
یه حرف یاربیطی دارم
پهلوی من چوب بگیرن
عادت کرده به تنبلی
گفته کجاس ممدلی جون
عادت کنه به تنبلی



هرکه تنه ابمونسه
همیشه ، ویلونسه
اهل محل دوست ندارن
که همیشه بیکاره
مدرسه جای خوبیه
بسه دیگه این بازی
من از دلش خبردارم
اگه بیادش خونسه
توی کوچه ها حیرونی بده
هرکه داره یک کاری
توی کوچه توی خونسه
تنه اوسرگردونسه
بابچه ای کارن دارن
تنبیل شده بی عاره
کی وقت اسب چوبیه
ممدلی ناز ، نازی
کاری باکارش ندارم
تنه اوسرگردونسه
بی سروسامونی بده
بیزاره از بی عاری



« ادامه دارد »



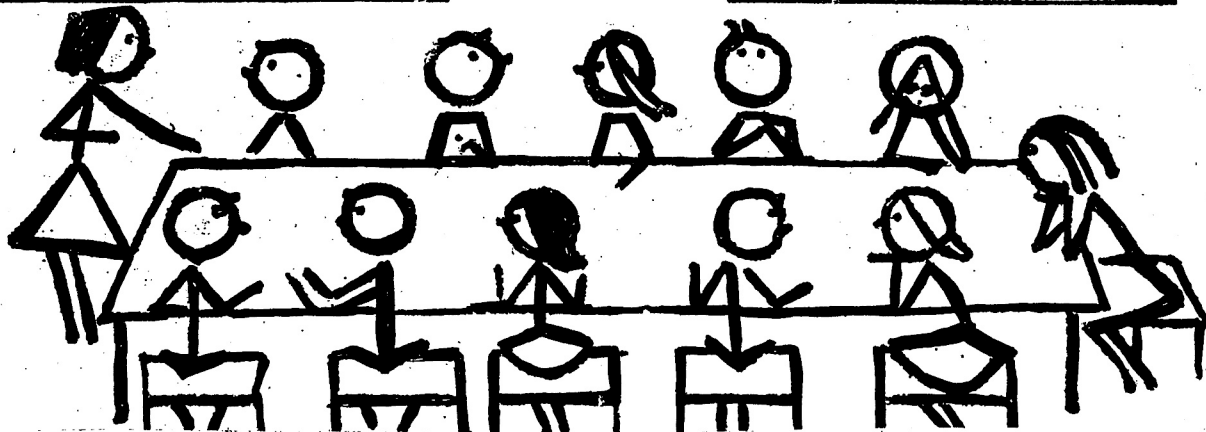
تمرینات تئاتر ۳

کنش و واکنش

جائی را در کلاس انتخاب کنید . امروز شما
وارد یک غار می شوید . یک غار بسیار جالب توجه
کشف کرده اید . حالا دارید دیواره های غار را می بینید .
دیواره ها بالجن پوشیده شده است . آدم خوشش
نمی آید که به آنها دست بزند ، ولی حالا یک سنگ

از شما خیلی هیجان زده هستید . شاید جواهر دیده اید .
اما بعضی از شما مایوس شده اید می بینم که یکی
از جعبه ها خالی است . شما چه چیز پیدا کردید ؟ یک
جعبه خالی بیسکویت یک جعبه دینامیت
چه خطرناک :

* حالا از هر کاری که می کنید دست بکشید
و به صدائی که می آید ، گوش بدهید . صدا تندتر شده
است و می دانید که باران می بارد . این موضوع مهم است
چون وقتی که باران تند می بارد غار از آب پر می شود .
باید از غار بیرون بیایید اما نمی توانید تندر را بروید

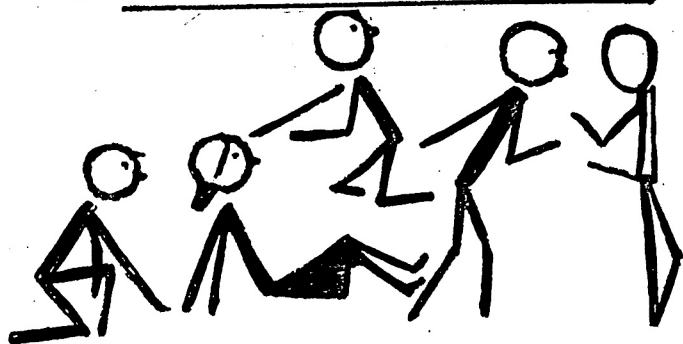


حرکت می دهید و یک جعبه پیدامی کنید . شاید یک
گنجینه باشد که در آنجا پنهان کرده اند . جعبه
را باز کنید تا ببینیم توی آن چه چیزها هست . بعضی

قسمتی از راه را ناچارید که چهار دست و پا طی کنید
یا برکف غار بخزید . می بینم که بعضی از شما دارند
جعبه هایشان را هم با خودشان می آورند . اینها حتماً
کسانی هستند که گنجینه پیدا کرده اند . حالا همه تان از
غار بیرون بیایید و به پناهگاه برگردید .

پروژه واکنش از آگاهی از حالات

در این مرحله قصد ما این است که کودکان از احساسات
و عواطف خود آگاه شوند . این احساسات و عواطف را با
کنشهای خود نشان دهند و درباره آنها صحبت کنند .
در ابتدا معلم متوجه خواهد شد که برای کودکان نشان دادن
احساسات خیلی آسانتر و راحتتر از بیان کردن آنهاست
ما با تمرین و تجربه به تدریج خواهند توانست به
درجات متفاوت احساسات پی ببرند . مثلاً " اختلاف بین
" خرسند شدن " ، " خوشحال شدن " و به



وجد آمدن " را خواهند فهمید ، همانطور که اختلاف بین
خوشحال شدن و " غمگین شدن " را می فهمند .
ادامه دارد



نقدنمایش خردگوش

بوسندوکارگردان: رضا نظری

بازگیران:

اسلامی، رسول صالحی، جمال بی‌نصرت، حسین خالقی، فرزاد مهر

آنچه در هنرنمایش بیش از هر چیز مورد توجه وارزشمند است محتوای متن و نحوه پرداخت و توانائی ایجاد ارتباط با تماشاگر است .

به جرات می توان گفت که هنرنمایش تنها وسیله ای است که نیاز به ترجمه برای هیچ کجا و هیچ کس ندارد . چرا که اگر نمایش از متن قوی و منسجم برخوردار باشد و کارگردانی آن نیز با تکنیک صحیح و بجا انجام گیرد ، به راحتی می تواند با مخاطب خویش ارتباط برقرار کند و در رساندن پیام موفق باشد . درنمایش "خانه خرگوش" پرداخت شخصیت ها از حدیک تیپ کلیشه ای پافراترنگداشته است، روپاه قصه همان روپاه حيله گرومکار صدها نمایش دیگر است ، خرس همان خرس تنبل وشکمو . . . (تکرار مکررات)

پس در این میان نکته نو ، خلاقیت ، شخصیت جدید چه میشود ؟ و درثانی کدامیک از پرسناژها حتی (پنبه ای) کودک را با خود همراه می کند ، چرا که این تیپ ها دیگر برای کودک تکراری وخسته کننده وغیرجاذب است ، بطوریکه کودک از ابتدای نمایش می داند که روپاه مکاراست ، خرگوش

گول می خورد . . .

اگر خودقصه گو در فاصله کوتاه برای بچه ها قصه رامی گفت ، کشش آن برای کودکان ، از دیدن نمایش بیشتر نبود ؟

حیوانات به راحتی می توانند در ذهن کودک با توجه به تخیل وسیع وشگفت آوراو راه پیداکنند . لیکن این حقیقت را نباید نادیده گرفت که هرکاییت وقصه ای به صرف پرداختن به حیوانات ، حکایت وقصه کودکانه به شمار نمی رود . حال آنچه حکایتی کودکانه را متمایز از سایرکارها می کند ، همانا کودکانه بودن مضمون محتوی ونیز نثروزیان حکایت وقصه می باشد .

مضمون ومحتوایی که لزوما " بایستی متناسب با ظرف باور کودکان بوده ونثروزیانی که باید از دایره واژگان و اندوخته های ذهنی ایشان برخوردار باشد . نمایشنامه فوق در اکثر قسمتها بیشتر به یک روایت شعرگونه شبیه است تامتن نمایشی . قسمتی از متن به پرهیز از دروغگوئی وگول زدن پندمی دهد ، درحالیکه می بینیم خودقصه گو وپنبه ای باکمک هم به همین عوامل دست آویز می شوند وروپاه رابیرون می کنند . باتوجه به اینکه کودک شدیداً " تاء ثیر پذیر است وروح وفکراو از حساسیت برخوردار است ، باید آنچه به اوداده می شود ، چنان باشد که اگر ذوق اورا تحریک می کند ، آموزنده نیز باشد .

روال کار وربتم نمایش وبازیهاطوری پیش می رود که نه تنها حس مخاطب را بردل سوزاندن و همراهی با پنبه ای بر نمی انگیزد ، به اتفاقات صحنه نیز بی تفاوت است وکل ماجرا برایش کششی ندارد . آنچه که می تواند تماشاچی را جذب کند گره وحوادثی است که باید در زندگی پنبه ای ودیگر بازیگران ایجاد شود .



کودک از ابتدای داند که روباه بازنده و خرگوش برنده، اما چگونه وبه چه شکلی وباجه نوع ماجرائی که جالب وهیجان انگیز باشد ؟

آنکس که آستین بالامی زند ومی خواهد برای کودکان کار بکند ، قبل از هر چیز باید کودکان را خوب بشناسد وبرای برقراری ارتباط با آنان ، به زبان خودش حرف بزند . کودک علاقه به طرح مسائل مجرد ندارد واز تفصیل وتشریح خوشش نمی آید . چیزی که اودوست دارد ماجرا است . جادهای باید روی دهد وبه حوادث دیگر منجر شود . از دیگر عوامل درکار کودک مکث دراماتیک است که به کودک رخصت می دهد تا وقایع وحوادث نمایش راهضم وخود را آماده پی گیری قضایا بکنید ، درحالی که دراجرای فوق بازیگران به صرف گفتن دیالوگها به روی

سن می آیند و صرف نظر از این شتاب ، عدم درک صحیح از نقش ها مشهود است که باز به ضعف متن برمی گردد ، که فاقد افزایش پرسپکتیو ذهنی ووسعت عمق مسائل برای مخاطب خویش است .

دراین میان . طراحی صحنه وفضا سازی نمایش ودیگر عوامل دست وبپا شکسته کمی به دنیای فانتزی درحیطه تخیل کودک ودنیای حیوانات نزدیک می شوند لیکن باتوجه به ضعف درپرداخت متن وشیوه اجرائی ناموفق باقی می مانند

در نهایت (خانه خرگوش) درهمراه ساختن تماشاچی از نظر حسی ، القای مفاهیم (باتوجه به اینکه تمام مناسب ولی خوب پرداخت نشده است) وحس حاکم بر صحنه وارتباط بمخاطب ناموفق می باشد .

« آذر زمانی »

امروزت را از ضروریات یک حکمت فیمکنی در درون یک جامعه و
ملت محسوب میگردد .
حجت الاسلام والمسلمین باقر شنبه‌زاده



گفت و شنود

سالن نمایش پراز جمعیت شده بود و همه در انتظار شروع نمایش خانه خرگوش بودند . دختر خانم نوجوانی که در سالن نمایش بغل دستم نشسته بود بی صبرانه منتظر دوستش بوده و به همین منظور کیفش را روی صندلی پهلوی گذاشته ، و هر بار که مسئول انتظامات جشنواره کسی را برای نشستن راهنمایی میکرد ، با خواهش می گفت همین حالا دوستم می رسد .

در آخرین لحظات وقتی دوستش رسید با عصبانیت رویه او کرد و گفت : چرا اینقدر دیر کردی ؟

دوست : مادرم اجازه نمی داد بیایم .

دختر خانم : چرا ؟

دوست : آخه می گفت : جشنواره تئاتر کودک و نوجوان یعنی چه ؟ برای تئاتر بزرگترها چه کار کرده اند که حالانویت کودکان و نوجوانانه .

دختر خانم : متأسفم که مادرت اینطوری فکرمی کند ببین به میمنت برگزاری جشنواره تئاتر کودک و نوجوان ، تا لار فجر را چقدر قشنگ و اصولی تعمیر کرده اند !

دوست : راست میگوئی ، قبلاً " وقتی به این سالن وارد میشدم ، یاد سالنهای برگزاری امتحانات افتاده و وحشت میکردم . کاش همیشه چنین جشنواره هائی برگزار شود تا ما شاهد ایجاد سالنهای نمایشی بیشتر و بهتری باشیم . باید این خبر مسرت بخش را به مادرم بدهم .

< روح انگیز - موه منی >



تاسرو کله ام تو برو بچه های نشریه روزانه

جشنواره پیدامیشه فوری میگه : دیده دیگه .

میگم : چی چی رو ؟

میگه : اون مقاله رو که قرار بنویسی .

میگم : آخه بابا به پیر به پیغمبر ما نمیدونیم مقاله چی چی هست .

میگه : هر چی بلدی بنویس

میگم : آخه برا چی ، مگه مردم نمی خونند .

میگه : شما بنویس چه کار داری به مردم .

میگم : آخه بابا چون نشریه رو بدون مقاله چاپ کنین ، طرحها تونویه خورده گنده ترش کنین تا صفحه ها پر بشه .

میگه : آخه همیشه امروز اول نوشتیم که هر روز مقاله داریم میتم : پس هر چه نوشتم چاپ میکنین

میگه : بعه

میگم : باشه فردا بهتون میدم .

خوانندگان محترم تا فردا که مقاله ام چاپ میشه بی صبرانه منتظر بمونند ، به ، به .

> سیدبهاء الدین - کلانتریان <





طنز

مادرم ، روزوشب می گوید
 که " تیارت " ، علافی است
 وعیالم عصبانیت و من می ترسم
 که مرا عاقبت از اهل هنر دور کنند
 پدرم ، شب پیش ، باز فریادکشید
 آی ارباب هنر ، پسر علاف است
 دست از این سرگرم بردارید .

اسمهال

بسمه تعالی

ستادبرگزاری جشنواره ، کودک و نوجوان همسندان
 (بخش بولتن)
 بدینوسیله از همکاریهای صمیمانه ، برادران کوثری
 سموات و توریانی که در اجرای نمایشنامه " خانه
 خرگوش " ماریاری فرمودند تشکر و قدردانی
 می نمائیم .

سرپرست گروه زنجان
 محسن وجدی

تقدیر

باسلام و عرض خسته نباشید شما و سایر همکارانتان
 دربرگزاری نخستین جشنواره کودک و نوجوان ،
 احتراماً " بدینوسیله از همکاریهای بی دریغ همکاران و
 کارمندان آن اداره کل در تالار فجر بخصوص جناب آقای
 کوثری در اجرای نمایش " بچه های دومحله " صمیمانه
 تقدیر و تشکر می نماید .

مسئول انجمن نمایش ازنا
 محمود افضلی



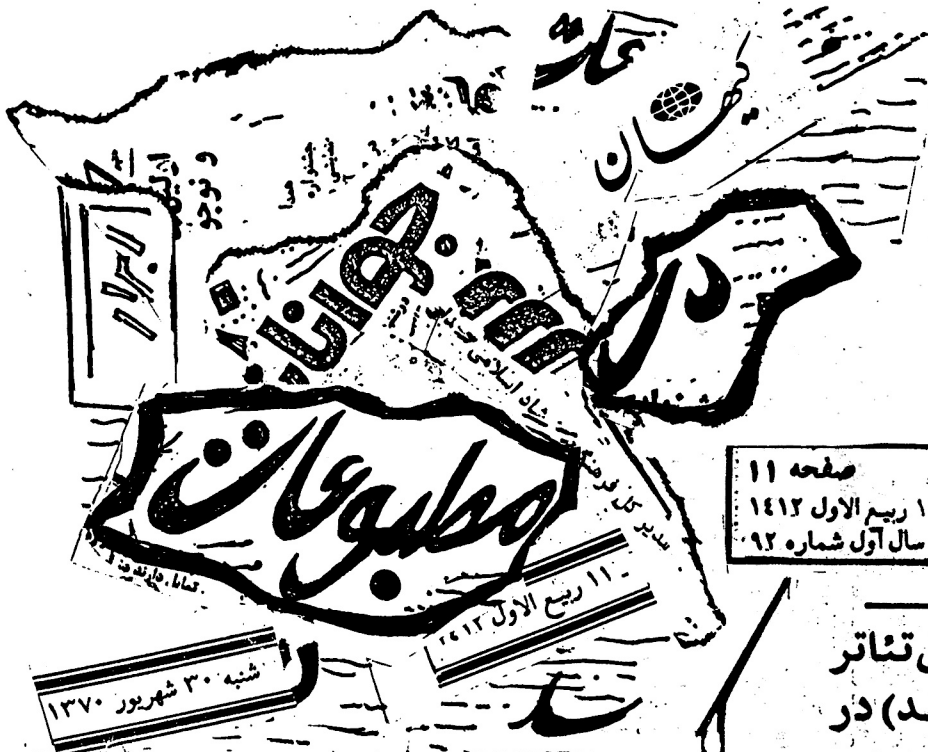
" هذیان تب بی پولی "

اهل این سامانم ، اهل این شهر هستم
 شغل خوبی دارم ، شغل من بیکاریست
 اهل این شهر هستم ، اندکی ذوق و هنر دارم و کارگردانم
 اندکی ذوق و کمی عشق هنر
 کرده سرگردانم

 بعضی اوقات ، دم آخر برج ، گاه هذیان و تب بی پولی
 می نویسم چیزی ، که بگیرم پولی
 پیسی ، طرحی و گاهی نقدی
 طنز و نقد همه از تسبیح خوریست
 من بدهکار هستم
 من زبقال محل می ترسم و دو ماه است که از خانه فراری هستم



جشنواره



صفحه ۱۱

سلام شنبه ۳۰ شهریور ۱۳۷۰ - ۱۱ ربيع الاول ۱۴۱۲
سال اول شماره ۹۲

نخستین جشنواره سراسری تئاتر کودک و نوجوان (امید) در همدان آغاز به کار کرد

همدان - خبرنگار سلام: اولین جشنواره تئاتر کودک و نوجوان (امید) با شرکت شش گروه نمایشی از پنج استان مازندران، خراسان، خوزستان، لرستان، زنجان و شهرستان قزوین در تالار فجر همدان عصر دپروز آغاز به کار کرد.

در این جشنواره هر گروه تئاتری هر روز دو اجرا خواهند داشت که هنرمندان همدان و هنردستان از آنها استفاده خواهند نمود.

همچنین جلسات آموزشی برای استفاده بیشتر هنرمندان در مدت برگزاری جشنواره با استفاده از اساتید فن هر روز صبح در محل هتل بوعلی همدان دایر خواهد بود و جلسات نقد و بررسی پس از انجام سخنرانی

اساتید در محل نمایش که روز قبل به صحنه رفته است مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

در مراسم افتتاح این جشنواره آقای صوفی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی همدان و دبیر جشنواره گزارشی از چگونگی برگزاری جشنواره و مراحل مختلف این جشنواره ارائه نمود وی در بخشی از سخنانش اظهار داشت:

۴۳ متن از استانهای مختلف کشور به مرکز ارسال گردید و از سوی هیئت بازخوانی مستون رسیده تحت بررسی قرار گرفت و ۱۲ متن جهت تمرین و بازیابی انتخاب و به نویسندگان با ابلاغ

صفحه ۴

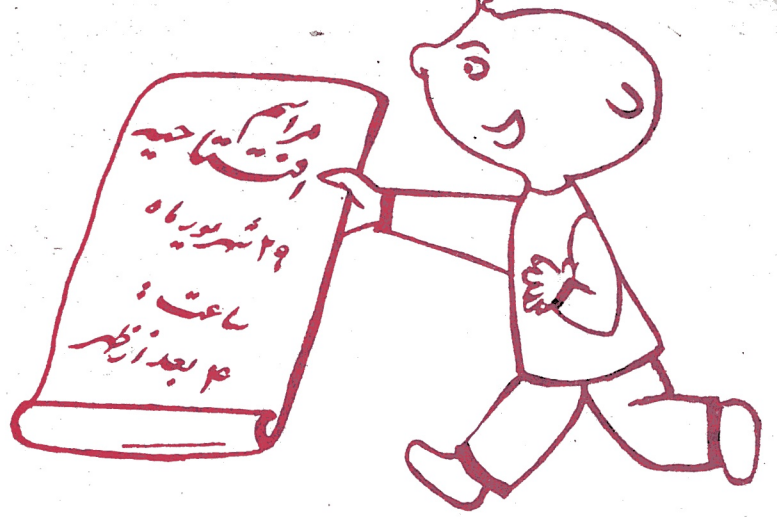
جمهوری اسلامی
شبه ۳۰ شهریور ۱۳۷۰
۱۱ ربيع الاول ۱۴۱۲ - شماره ۳۵۵۹ - سال سیزدهم

نخستین جشنواره سراسری تئاتر کودک و نوجوان در همدان گشایش یافت

همدان - خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی: طی مراسمی نخستین جشنواره سراسری تئاتر کودک و نوجوان امید در همدان گشایش یافت.

در این مراسم که با حضور تنی چند از مسئولین دستگاههای اجرایی و گروهی از هنرمندان و علاقمندان به هنر در محل تالار فجر همدان برگزار شد مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان طی سخنانی با برشمردن برنامه‌های این جشنواره هدف از برگزاری این جشنواره را ایجاد زمینه مناسب برای رشد استعدادهای هنری جوانان و نوجوانان و ایجاد زمینه‌ای برای رقابت سالم و سازنده خصوصا در بین هنرمندانی که

در رابطه با جوانان و نوجوانان در تلاش می باشند ذکر نمود. وی افزود: استان همدان به عنوان مرکز توسعه فرهنگی غرب کشور شناخته شده و برای اولین بار این جشنواره در همدان برگزار می گردد. این گزارش حاکیست: طی یک هفته برگزاری این جشنواره ۶ نمایشنامه کار گروههای هنری استانهای لرستان، زنجان، خراسان، خوزستان، مازندران و شهرستان قزوین به روی صحنه خواهد آمد که در پایان بر اساس رأی هیات داوران اعزامی از مرکز هنرهای نمایشی وزارت ارشاد اسلامی به بهترین کارگردان و نویسنده و نمایشنامه جوایزی اهداء خواهد شد.



برنامہ اجراء سخنرانی سلسلہ سہ ماہیہ ترقی و ترقی کے دو جلد سہ ماہیہ

تاریخ اجراء	نام نائیشما	نویسنده	کارکردن	گروہ مساتر
جمعہ ۲۹، ۲۰	خانہ سربراہ	نادر میرزائی	نادر میرزائی	ادارہ فرہنگ ارشاد اسلامی دکن
شنبہ ۲۰	بچہ ہاؤس	اسماعیل فریدی	محمد رضا وجدیان	انجمن نمائش ازنا
یکشنبہ ۲۱	خانہ سرگوش	رضانظری	رضانظری	انور تہبستی زنجان
دو شنبہ ۲۱	سرگوش	احمد رضانیان عید رضا باوندیان	احمد رضانیان	ادارہ گل فرہنگ ارشاد اسلامی خزان
سہ شنبہ ۲۲	بزرگدز	م - آزاد	علی آریا راؤ	ہدایا ملی جمہوری اسلامی مرکز ہوا
چار شنبہ ۲۳	گروہ نادر گروہ	جعفر حفیری	محمد خالد زاده	ادارہ فرہنگ ارشاد اسلامی نیکادو

جلد سخنرانی نقد و بررسی
زمان: ۹ الی ۱۱ صبح
مکان: سالن ہتھل بوجلی

زمان اجراء نائیشما
زمان: ۳ ۱/۲ و ۵ ۱/۲ بعد از ظہر
مکان: تالار فخر

بہتمام: محمد جواد بھبران - آذر زبانی
طراح: عطف ذالہ یوسفی - رؤیا قربانی
صفحہ آرا: اسماعیل انصاری
خوشنویسی: مصطفی اسدی
تایپ: پروین یکسانہ
نگتیر: ایچ شیری
زیر نظر: ماشم قہرمانی

